

## روسیه و نقش آفرینی منطقه‌ای؛ تعارض رابطه با تهران و تل آویو

شعب بهمن \*

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 2، پیاپی 70، تابستان 1396؛ صفحات 31-56

تاریخ دریافت: 1396/05/03 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/05/30

### چکیده

بازگشت روسیه به خاور نزدیک در جریان بحران سوریه موجب بروز پرسش‌های جدی درباره نقش آفرینی این کشور در منطقه به خصوص با توجه به تعارض موجود میان ایران و اسرائیل شده است. در واقع این موضوع که روسیه تلاش می‌کند به صورت همزمان روابط خود با ایران و اسرائیل را در سطح مناسبی نگه دارد، یکی از تعارض‌های پیچیده در روابط خارجی مسکو به شمار می‌آید. از این رو بحث حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که «روسیه چگونه به مدیریت تعارض موجود در روابط با ایران و اسرائیل در راستای نقش آفرینی منطقه‌ای خود پرداخته است؟» یافته‌های بحث نشان می‌دهد که تداوم رابطه و همکاری با ایران، دیدگاه مثبت به نفوذ منطقه‌ای تهران، همکاری با حزب الله و حضور نظامی در سوریه به نفع دولت اسد از جمله مواردی هستند که روسیه در مورد آنها توجه چندانی به خواست اسرائیلی‌ها نکرده است.

### واژگان کلیدی

ایران، روسیه، اسرائیل، حزب الله لبنان، منطقه خاور نزدیک

تحولات منطقه «خاور نزدیک»<sup>1</sup> پس از بروز قیام های مردمی، تأثیر عمیقی بر پیش ها و رویکردهای سیاست خارجی روسیه داشته است؛ به نحوی که این منطقه از برجستگی بیشتری در سیاست خارجی روسیه و رویکردهای این کشور نسبت به تحولات و معادلات جهانی برخوردار شده است. این در حالی است که روابط روسیه با این منطقه از تاریخچه دیرینه‌ای برخوردار است. روسیه و ملت های منطقه از دیرباز با یکدیگر پیوندهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و معنوی داشته‌اند و این روابط و پیوندهای دیرینه باعث شده روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی صحنه خاور نزدیک به‌خصوص در زمینه حل و فصل مناقشات و چالش های این منطقه مطرح باشد. در دوران جنگ سرد به‌خصوص از دهه 50 به بعد، اتحاد جماهیر شوروی به مدت چهار دهه نقشی کلیدی در خاور نزدیک ایفا کرد. بر این اساس مسکو از سال های 1950 به بعد در دوره های مختلف به ایفای نقش در خاور نزدیک پرداخته که در هر دوره با توجه به سیاستی که روسیه نسبت به کل منطقه داشته، جایگاه ایران و اسرائیل نیز متغیر بوده است.

در این بین، بازگشت روسیه به خاور نزدیک در جریان بحران سوریه موجب بروز پرسش های جدی درباره نقش آفرینی این کشور در منطقه به‌خصوص با توجه به تعارض موجود میان ایران و اسرائیل شده است. در واقع این موضوع که روسیه تلاش می کند به صورت همزمان روابط خود با ایران و اسرائیل را در سطح مناسبی نگه دارد، یکی از تعارض های پیچیده در روابط خارجی مسکو به‌شمار می آید. از این رو بحث حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که «روسیه چگونه به مدیریت تعارض موجود در روابط با ایران و اسرائیل در

1. در نگاه روس ها، اصطلاح «خاورمیانه» مفهومی غربی است که آمریکایی ها برای توصیف این منطقه به کار می بردند. به همین دلیل روس ها با توجه به موقعیت جغرافیایی خود به تعریف این منطقه پرداخته‌اند و از آن با عنوان «خاور نزدیک» (Ближний Восток) یاد می کنند.

راستای نقش آفرینی منطقه‌ای خود پرداخته است؟»

به منظور پاسخگویی به این سؤال، نخست موقعیت روسیه در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به الزامات موجود در روابط روسیه با ایران و اسرائیل اشاره خواهد شد. در ادامه نیز وزن و جایگاه ایران و اسرائیل با توجه به مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌شود.

### رهیافت روسی در خاور نزدیک

سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه خاور نزدیک پس از وقوع انقلاب‌های مردمی و بروز بحران‌های ساختگی و مصنوعی دچار تغییر و تحول شد. در این بین نکته قابل توجه، رویکرد متفاوت مسکو به تحولات در کشورهای مختلف بود؛ به نحوی که می‌توان سیاست روسیه در قبال تحولات جهان عرب را دست کم به دو دسته تقسیم کرد: در دسته نخست، کشورهایی چون لیبی، یمن و سوریه قرار می‌گیرند که با خطر تجاوز خارجی روبرو شده‌اند و در دسته دوم، کشورهایی چون مصر و تونس جای دارند که مسائل آنها در حدود مرزهای ملی حل و فصل شده‌اند یا در حال طی کردن مسیر پرآشوب خود بدون مداخله خارجی هستند.

روسیه در مورد اول بیشتر نگران رعایت حق حاکمیت کشورهاست که مفهوم اساسی مناسبات بین‌الملل به شمار می‌آید. بر این اساس، انحراف ناگهانی مسکو از موضع‌گیری سنتی عدم مداخله در جریان جنگ لیبی، نه تنها سرآغاز گرایش جدید مسکو نبود، بلکه عامل تشدید موضع‌گیری روسیه در مراحل بعدی شد. در واقع اوضاع لیبی نشان داد که تصمیم‌گیری نیروهای خارجی در امور داخلی کشورها چه پیامدهای ویران‌کننده‌ای در بر دارد. بنابراین الگوی رفتاری روسیه بر این اساس استوار شد که این گونه مناقشات باید بدون مداخله مستقیم خارجی حل و فصل شوند. این الگوی رفتاری روسیه تنها به تحولات خاورمیانه منحصر



نمی‌شود و برای مسکو اهمیت دارد که در تمام نقاط دنیا، مداخله نظامی از سوی قدرت‌های بزرگ صورت نگیرد.

باید توجه داشت که روسیه به حوادث خاور نزدیک از زاویه تجربه ویژه خود طی قرن گذشته می‌نگرد. جامعه معاصر روسی، اعتقاد چندان زیادی به انقلاب ندارد؛ زیرا پیامدهای ناگوار تغییر و تحولات انقلابی را تجربه کرده و متوجه شده است که در نتیجه چنین رویدادهایی، چیزی جز نومی‌دی از خیال‌های واهی گذشته باقی نمی‌ماند. از این رو در حال حاضر، هم اقشار عادی جامعه و هم نخبگان روس به ارزش صلح و ثبات کاملاً واقف هستند. به همین دلیل نیز روس‌ها با شور و شوق توده‌های مردم عرب برای برپایی انقلاب در کشورهای خود همراهی نمی‌کنند. آنها با عاقبت چنین رویدادهایی کاملاً آشنا هستند و به این دلیل که تجربه مناسبی از چنین تحولاتی در روسیه نداشته‌اند، به طور قطعی مخالف هر گونه عمل انقلابی هستند. (بهمن، 1392: 144)

این سابقه تاریخی موجب شده که روسیه به عنوان نیرویی محافظه‌کار با امور بین‌الملل برخورد کند و بر این اعتقاد باشد که همه تغییرات در وضعیت جاری، پیامدهای منفی دارد و نباید آنها را به صورت شتاب‌زده ارزیابی کرد. البته چنین امری به معنای بی‌توجهی کرملین به تحولات صورت گرفته در خاورمیانه نیست. روس‌ها به خوبی دریافته‌اند که معادلات خاورمیانه به سرعت و به‌طور بازگشت‌ناپذیر تغییر می‌کند و مقصد این تحولات روشن نیست. بر این اساس روسیه، راهبردی را در منطقه خاور نزدیک دنبال می‌کند که در صورت تغییر ناگهانی شرایط، غافلگیر نشود. به اعتقاد ویتالی نامکین، رئیس انیستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، راهبرد مسکو در منطقه خاور نزدیک مبتنی بر یک دیپلماسی پنج‌ستونی است:

1. حفظ تمرکز قوی بر روابط دوجانبه با کشورهای منطقه
2. تلاش برای تنوع بخشیدن و توسعه روابط با کشورهای متعارض با یکدیگر

3. ایجاد ارتباط فعال با نیروها و جریان های مخالف علاوه بر حفظ رابطه با

مقامات رسمی

4. ایفای نقش به عنوان یک بازیگر میانجی و واسط در درگیری ها و

بحران های منطقه در چارچوب قوانین سازمان ملل متحد و بدون حمایت انحصاری از یک طرف و یا مخالفت با سایر طرف های درگیر

5. تلاش برای خودداری از اظهارات مقابله جویانه و اقدام علیه کشورهایی که در مورد مسائل خاص جهانی و منطقه ای با روسیه مخالفت می ورزند. (Naumkin, 2015)

این دیپلماسی پنج ستونی، پایه و اساس سیاست خارجی روسیه را در منطقه خاور نزدیک مشخص می کند و بیانگر فهم و درک رویکرد روس ها به تحولات این منطقه محسوب می شود؛ به خصوص که روسیه مطابق دیپلماسی پنج ستونی خود در منطقه خاورمیانه به تدوین سیاست نوینی پرداخته که طی آن سه رهیافت ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی را به طور همزمان دنبال می کند:

در رهیافت ژئوپلیتیکی، روسیه سعی می کند برای خود یک بلوک قدرت در خاورمیانه تشکیل دهد. با توجه به آنکه روس ها در پی نظم جهانی چندقطبی هستند، کشورهای ایران، ترکیه و عربستان سعودی را در منطقه خاورمیانه با اهمیت تلقی می کنند. بر این اساس رویارویی با یک جانبه گرایی آمریکا و دستیابی به نقش بین المللی به عنوان قدرتی جهانی از مهم ترین اهداف ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه محسوب می شوند. در این راستا از یک سو سیاست افزایش روابط خارجی با کشورهای معارض آمریکا در منطقه (نظیر ایران، سوریه و ...) پیگیری خواهد شد و از سوی دیگر برقراری رابطه نزدیک با کشورهایی که همیشه جزو شرکای آمریکا بوده اند (نظیر ترکیه، مصر، عربستان سعودی، اردن، قطر و ...) در دستور کار قرار خواهد گرفت.

در رهیافت امنیتی، روسیه نگران گسترش افراط گرایی مذهبی در قفقاز شمالی و جمهوری های مسلمان نشین این منطقه است. خطر گسترش تروریسم،



افراط‌گرایی مذهبی و حضور گروه‌های نظیر داعش می‌تواند به جدایی‌طلبی برخی از جمهوری‌ها و مناطق نظیر چچن، اینگوش و داغستان دامن بزنند. علاوه بر این، روسیه از لحاظ امنیتی به شدت نگران گسترش تسلیحات اتمی در منطقه خاورمیانه است. به همین دلیل نیز مسکو از طرق مختلف به مقابله با گسترش تندروری‌های اسلامی به‌ویژه وهابیت و سلفی‌گری تکفیری می‌پردازد. در این راستا هر بازیگری که مقابله با جریان‌های افراطی و تروریستی را در دستور کار خود قرار دهد، می‌تواند در ائتلاف با روسیه قرار گیرد.

در رهیافت اقتصادی، با توجه به اینکه روسیه یکی از صادرکنندگان نفت و گاز محسوب می‌شود، ملاحظاتی درباره کشورهای منطقه دارد و گاهی آنها را به‌عنوان رقیب خود نیز می‌نگرد. علاوه بر این، روسیه در بسیاری از موارد به دلیل کنترل بازار و قیمت‌ها ناچار به همکاری و هماهنگی با بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در منطقه نیز است. به همین دلیل روسیه تمایل دارد رایزنی گسترده‌ای با ایران، عربستان سعودی و عراق به‌عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در منطقه خاورمیانه داشته باشد.

از سوی دیگر گسترش روابط اقتصادی با کشورهای خاورمیانه به‌خصوص در حوزه صدور تسلیحات و جنگ‌افزار، نقش مهمی در رهیافت اقتصادی روسیه نسبت به خاورمیانه دارد. در این راستا کشورهایی چون ایران که در زمره مهم‌ترین خریداران تسلیحات روسی به‌شمار می‌آیند، از اهمیت زیادی برخوردار هستند. علاوه بر این روسیه تمایل خود را نسبت به فروش تسلیحات به کشورهایمانند عربستان، مصر و ترکیه که تا کنون بخش عمده‌ای از نیازهای خود را از کشورهای غربی تأمین می‌کردند، نشان داده است. این امر نشان می‌دهد که روسیه قصد دارد در مناسبات اقتصادی خود با کشورهای خاورمیانه، از طریق نفوذ در بخش‌های حساس اقتصاد کشورهای منطقه، ضمن افزایش قدرت اقتصادی خود، نفوذ آمریکا را نیز کاهش دهد.



## الزامات و اهمیت رابطه روسیه با ایران و اسرائیل

روسیه در منطقه خاور نزدیک دارای منافع متعددی است که رابطه همزمان با ایران و اسرائیل نیز بخشی از این منافع را در بر می‌گیرد. بر این اساس دارای الزامات و منافع قابل توجهی از گسترش رابطه با این دو کشور است و رابطه با هر دو طرف را در راستای منافع خود تلقی می‌کند. در واقع رابطه و همکاری با ایران و اسرائیل از جهات گوناگون برای روسیه دارای اهمیت است و مسکو نه می‌تواند از آنها چشم‌پوشی کند و نه می‌تواند یک طرف را به خاطر دیگری حذف کند.

### 1. الزامات رابطه با ایران

بررسی دیپلماسی پنج‌ستونی و رهیافت‌های سه‌گانه روسیه در خاور نزدیک نشان می‌دهد که مسکو در بخشی از استراتژی خود در خاور نزدیک تلاش می‌کند همکاری‌های خود را با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نظیر ایران گسترش دهد. در این بین ایران به چند دلیل از اهمیت زیادی برای نقش‌آفرینی روسیه در منطقه خاور نزدیک برخوردار است:

1. بین‌المللی بودن ایران: ایران به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ممتاز ژئوپلیتیکی، یک کشور بین‌المللی محسوب می‌شود و نمی‌تواند در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، نقشی حاشیه‌ای را انتخاب نماید. بر این اساس بین‌المللی بودن ایران و نقشی که این کشور می‌تواند در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا نماید، برای روسیه از اهمیت زیادی برخوردار است.

2. ماهیت مستقل نظام جمهوری اسلامی ایران: ایران کشوری مستقل به شمار می‌آید که در نظام بین‌الملل نه تنها به همراهی با قدرت‌های بزرگ نپرداخته، بلکه در بسیاری از موارد رو در روی آنها قرار گرفته است. از این رو ماهیت مستقل جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه تعارضی که تهران با آمریکا دارد، برای روس‌ها حائز اهمیت است.



3. رویکرد ایران به اسلام: برخلاف ایدئولوژی های افراطی در جهان اسلام که بر برداشتی تکفیری مبتنی بر آموزه های وهابی استوار است و با خشونت و تروریسم درآمیخته، رویکرد ایران به اسلام، نه تنها نسبتی با خشونت، افراط و ترور ندارد، بلکه در تضاد با آن است. این امر برای روسیه که تهدیدهای زیادی از ناحیه افراط‌گرایی و تروریسم احساس می‌کند، یک نقطه اتکا در خاورمیانه به شمار می‌آید.

4. موقعیت منحصر به فرد ایران در جهان اسلام: در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران با توجه به ثبات سیاسی و بهره‌مندی از امنیت بالا در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه، از موقعیت منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا بقیه کشورهای که داعیه دار رهبری یا تبدیل شدن به الگو در جهان اسلام هستند، با مشکلات و چالش‌های بی‌شماری مواجه می‌باشند و هر یک به دلایلی قادر به انجام چنین کاری نیستند. به عنوان مثال، عربستان سعودی به دلیل وجود خاندانی حاکم در رأس نظام سیاسی و بی‌توجهی به حقوق اولیه مردم از چنین قابلیت برخوردار نیست. مصر در سال‌های اخیر درگیر تحولات داخلی نظیر انقلاب و کودتا بوده و هنوز نتوانسته ثبات اقتصادی و سیاسی لازم را برای تثبیت خود به دست آورد. ترکیه با سیاست‌های نادرست و اشتباهات راهبردی خود درگیر دوره‌ای از بی‌ثباتی داخلی شده و خود را درگیر مبارزه قومیتی با کردها و تروریسم و افراط‌گرایی در کشورهای همسایه کرده است. کشورهای نظیر مالزی و اندونزی هم که تقریباً نظام‌های سیاسی باثبات و اقتصادهای پیشرفته دارند، به دلیل دوری جغرافیایی با کانون جهان اسلام عملاً از تأثیرگذاری چندان زیادی برخوردار نیستند. با این اوصاف، ایران با ثبات‌ترین کشور منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید که می‌توان برای آینده طولانی با آن همکاری کرد.

5. تجربه موفق گفتمان‌سازی و جبهه‌سازی: یکی از ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی که مورد توجه روس‌ها قرار گرفته، توان گفتمان‌سازی و جریان‌سازی ایران در جهان اسلام است. به عنوان مثال، شکل



دادن به «گفتمان مقاومت اسلامی» در جهان اسلام، رویکرد موفق جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی بوده که نشان می‌دهد ایران از یک سو تجربه موفق در گفتمان‌سازی و جبهه‌سازی داشته و از سوی دیگر از ظرفیت‌های بسیار زیادی برای تأثیرگذاری و الهام بخشی بر مسلمانان برخوردار است. شکل‌گیری هسته‌های مقاومت از یمن و خلیج عدن تا دریای مدیترانه از ویژگی‌هایی است که ایران را در سیاست خارجی روسیه برجسته می‌کند.

به هر روی ویژگی‌های فوق موجب برجسته شدن احتمال ایجاد اتحاد میان روسیه و ایران به‌عنوان کانون جبهه مقاومت شده است. ولی نصر، رئیس دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌المللی دانشگاه «جان هاپکینز» آمریکا در یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز، نسبت به ظهور «محور ایرانی - روسی» هشدار داده و با اشاره به بحران سوریه معتقد است ظهور یک محور نظامی روسی - ایرانی از دل جنگ سوریه می‌تواند امیدها را برای ثبات در خاورمیانه و مهار جاه‌طلبی‌های جهانی روسیه بر باد دهد. به اعتقاد وی اگر چنین ائتلافی به شکل‌گیری یک جبهه نظامی مشترک منجر شود، شاهد ایرانی غیر قابل مهارتر برای غرب خواهیم بود که قدرت خود را در خاورمیانه بیشتر بسط خواهد داد. از نظر وی، «اشتراک منافع میان روسیه که با غرب برای نفوذ راهبردی در خاورمیانه در رقابت است و ایران موجب شده این دو کشور به سرعت به سمت ایجاد همکاری‌های نظامی پیش روند. بر این اساس به‌رغم آنکه ایالات متحده و روسیه با جنگ سردی جدید فاصله زیادی دارند، آمریکا ناگزیر است که برای تأمین منافع خود، روسیه و ایران را از تلاش برای اتحاد جهت رقابت با غرب بازدارد.» (Nasr, 2016)

## 2. اهمیت رابطه با اسرائیل

روابط روسیه و اسرائیل از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی با فراز و فرودهای زیادی همراه بوده است. اگر چه اتحاد جماهیر شوروی در سال 1948، اسرائیل را به



رسمیت شناخت، اما پس از جنگ شش روزه در سال 1967، روابط دیپلماتیک خود را با تل آویو قطع کرد. (Golan, 1988: 288-289; Golan, 1990: 110-23) از اکتبر 1991، اندکی پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو طرف یک بار دیگر به برقراری روابط پرداختند و مناسبات خود را با یکدیگر از سر گرفتند. در طول دوران زمامداری یلتسین (1991-99)، روابط روسیه و اسرائیل به ویژه در حوزه تجاری از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار بود. البته این روابط در زمان تصدی یوگنی پریماکوف به عنوان وزیر امور خارجه (1996-98) و نخست‌وزیر (1998-99) سرد شد؛ زیرا پریماکوف بیشتر به طرفداری از اعراب می پرداخت و به دنبال تغییر سیاست مسکو به سمت اردوگاه فلسطینی بود. (Freedman, 1998: 140; )

122 (Nizameddin, 1999: 122) در دوره پوتین، نگرانی‌های مسکو در خصوص وضعیت چچن و همچنین گسترش تروریسم باعث شد روسیه در مناقشه اسرائیل و فلسطین به سمت تل آویو حرکت کند.

در مجموع روابط دو طرف در سال‌های پس از فروپاشی شوروی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است؛ به نحوی که حجم معاملات تجاری میان روسیه و اسرائیل از 12 میلیون دلار در سال 1991 به 2/8 میلیارد دلار در سال 2008 افزایش یافته است. اگر چه در سال 2009 حجم معاملات تجاری بین دو طرف کاهش پیدا کرد، اما تجارت دوجانبه در سال 2010 با رشد 70 درصدی نسبت به سال قبل مواجه بود. (Moscow Time, 16/02/2010) روسیه و اسرائیل در حال حاضر گام‌هایی را در راستای همکاری در زمینه‌های انرژی و فن آوری نانو برداشته‌اند و آژانس فضایی دو کشور در قسمت‌های مربوط به اکتشاف فضا، کشف مواد جدید، ناوبری، پزشکی و زیست‌شناسی فضایی با یکدیگر به همکاری می‌پردازند. (Nekhai, 2011) همچنین در سال‌های اخیر، مسکو و تل آویو نشان داده‌اند که علاقه زیادی به تجارت در حوزه محصولات غذایی و کشاورزی و همچنین سرمایه‌گذاری متقابل دارند. از پروژه‌های عمده دو طرف



می توان به ساخت یک کارخانه داروسازی در یاروسلاول توسط شرکت اسرائیلی «توا»<sup>1</sup> و همچنین ساخت تونل برای خط ریلی با سرعت بالا بین اورشلیم و تل آویو توسط شرکت روسی «متروستروی»<sup>2</sup> اشاره کرد. (Livne, 2013, p. 62)

در حال حاضر روسیه نه تنها بزرگترین تأمین کننده نفت به اسرائیل بلکه یکی از بزرگترین صادرکنندگان سنگهای قیمتی است و منابع معدنی بیش از 90 درصد صادرات روسیه به اسرائیل را تشکیل می دهند. در سالهای اخیر تراز کل تجارت دوجانبه به نفع مسکو مثبت بوده است.

روابط تجاری روسیه با اسرائیل (میلیون دلار)

2016	2015	2014	2013	2012	2011	2010	
1469,3	1539,5	2289,3	20848,8	1624,2	1757,0	1762,8	صادرات از روسیه به اسرائیل
806,3	806,3	1141,4	1492,9	1280,8	1092,6	825,3	واردات از اسرائیل به روسیه
663	733,2	1147,9	591,9	343,4	664,4	937,4	تراز مثبت روسیه

(Голубович, 2017)

به طور کلی به نظر می رسد مناسبات دو طرف به نحو چشمگیری افزایش یافته است. از جمله عوامل مؤثر بر ارتقای سطح روابط مسکو و تل آویو می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. نیازهای متقابل: سیستم های اقتصادی و تولیدی روسیه و اسرائیل به شکلی است که هر دو طرف می توانند به خوبی نیازهای یکدیگر را برطرف کنند و به نوعی مکمل یکدیگر باشند.
2. تروریسم: اگرچه در حال حاضر همکاری روسیه و اسرائیل در زمینه مبارزه با تروریسم به سطح لازم ارتقا نیافته، با این حال طی سال های گذشته کوشش های زیادی در این راستا صورت گرفته است؛ زیرا هم روسیه و هم

1. Teva  
2. Metrostroy



اسرائیل، گروه‌های تروریستی و افراطی را دشمن خود تلقی می‌کنند و به همین دلیل مسئله مبارزه مشترک با تروریسم همواره در دستور کار مذاکرات طرفین قرار داشته است. به‌عنوان مثال، در قرارداد نظامی که در سپتامبر 2010 میان دو طرف منعقد شد، مقابله با تهدیدات مشترک مانند تروریسم و رادیکالیسم اسلامی مورد تأکید قرار گرفته بود. (TV-Novosti, 2010)

3. مسائل امنیتی: موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی روسیه می‌تواند به برطرف کردن رویارویی بین اسرائیل و ایران و جلوگیری از انتقال این رویارویی به مرحله بازگشت‌ناپذیر کمک کند. از سوی دیگر روس‌ها نیز با توجه به منافع که در ایران و اسرائیل دارند، به هیچ وجه خواهان وقوع درگیری میان تهران و تل‌آویو نیستند.

4. اشتراکات قومی - نژادی: در اسرائیل حدود 1 میلیون شهروند سابق روسیه و شوروی زندگی می‌کنند که با روسیه و جامعه مشترک‌المنافع، روابط محکم خود را حفظ کرده‌اند و همین امر باعث شده طرفین در رابطه خود با یکدیگر، همواره رعایت حال اسرائیلی‌های روس‌تبار را بکنند. علاوه بر این، حضور روس‌تبارها در اسرائیل موجب شده که مردم روسیه درباره روابط مسکو و تل‌آویو نظر مثبتی داشته باشند.

5. نقش روسیه در صلح خاورمیانه: روس‌ها همواره یکی از بازیگران مهم در منازعه اعراب و اسرائیل بوده‌اند؛ به نحوی که به آمریکا کمک کردند تا قطعنامه سال 1975 سازمان ملل متحد - در مورد اینکه صهیونیسم مساوی نژادپرستی است - لغو شود. همچنین مسکو به یهودیان روس‌تبار اجازه مهاجرت به اسرائیل را داد و همراه با آمریکا در تأسیس کنفرانس صلح خاورمیانه در مادرید شرکت نمود. مطابق با فرمول کنفرانس صلح مادرید که در سال 1991 برگزار شد، قرار بود تأمین امنیت اسرائیل و برقراری صلح در ازای آزادی اراضی عربی اشغال‌شده توسط اسرائیل در جنگ سال 1967 صورت گیرد. با این حال در دوران ریاست-



جمهوری کلینتون، آمریکایی‌ها روسیه را از شرکت در روند صلح خاورمیانه کنار گذاشتند و حتی در شرایطی که مسکو با صدور بیانیه‌ای به حمایت از این روند پرداخت، اما عملاً به نشست که سران در اکتبر سال 2000 در شرم‌الشیخ برگزار شد، دعوت نشد.

از آن پس اگر چه غرب تمایل چندانی به افزایش نفوذ و توان بازیگری روسیه در روند صلح خاورمیانه نداشته، با این حال کشورهای منطقه و به‌خصوص اعراب از حضور روسیه در مذاکرات و میانجی‌گری مسکو استقبال کرده‌اند. ضمن آنکه یکی از سیاست‌های روسیه در مورد خاورمیانه، تأکید بر حل و فصل این منازعه بوده است. روسیه معتقد است از سرگیری روند تمام‌عیار صلح در منطقه بر اساس قطعنامه‌های 338، 242، 1397 و 1515 شورای امنیت سازمان ملل، وسیله برقراری صلح در منطقه است. در این چارچوب مسکو معتقد است که نخست باید در حل و فصل عادلانه مسئله فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین همت گماشته شود. بر این اساس روسیه یکی از حامیان روند صلح خاورمیانه و یکی از نیروهای بانفوذ در این منطقه به‌شمار می‌آید و سعی می‌کند بین اسرائیل و جهان عرب موازنه ایجاد نماید.

### مدیریت تعارض رابطه با ایران و اسرائیل

در طول سال‌های اخیر، رهبران اسرائیل دست کم به دو دلیل عمده تلاش کرده‌اند به روسیه نزدیک شوند: دلیل اول، بروز تنش و تیرگی در روابط اسرائیل با متحد استراتژیک خود ایالات متحده آمریکا پس از انتخاب باراک اوباما در سال 2009 به‌عنوان رئیس‌جمهور بود. در این دوره اسرائیل در پی یافتن متحد جدیدی با توجه به وضعیت نامطلوب روابط خود با آمریکا برآمد.

دلیل دوم، افزایش وزن و جایگاه روسیه در منطقه خاورمیانه است که اسرائیل تمایل دارد از این موقعیت جدید مسکو به نفع خود در روندهای استراتژیک،



سیاسی و اقتصادی بهره‌برداری کند. (Khanin, 2013, p. 68)

با این حال به رغم درخواست‌های مکرر اسرائیل برای ایفای نقش روسیه به‌عنوان بازیگری که حامی منافع تل‌آویو در برابر ایران است، موارد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد یا اسرائیلی‌ها در جلب نظر روس‌ها موفق نبوده‌اند یا مسکو توجهی به درخواست‌های طرف مقابل نشان نداده است. از جمله این موارد می‌توان به مباحث زیر اشاره کرد:

#### 1. همکاری نزدیک ایران و روسیه

برقراری هر نوع ارتباط نزدیک میان ایران و روسیه از گذشته مورد توجه اسرائیل بوده و تل‌آویو بارها تلاش کرده بر این رابطه و همکاری‌های موجود میان تهران و مسکو تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، در دوره‌ای که هجمه‌ها علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران افزایش پیدا کرده بود بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از روسیه خواست از «تحریم‌های گزنده» شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران حمایت کند. (Nasr, 2010) با این حال روسیه بارها برخلاف میل اسرائیل به ابراز مخالفت با اعمال تحریم‌های شدید علیه برنامه‌های اتمی ایران پرداخت و در دوره تحریم نیز کمک‌های زیادی به ایران کرد.

همچنین هنگامی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در آوریل 2015 ممنوعیت فروش پدافند هوایی اس 300 به ایران را لغو کرد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به صورت علنی از تصمیم مسکو انتقاد کرد و گفت: «اسرائیل به شدت نگران ارسال سیستم دفاع موشکی اس 300 روسیه به ایران است، به‌خصوص از زمانی که ایران به تعرضاتش در منطقه و مناطق مرزی اسرائیل شدت بخشیده و از این بابت نگران است که در تفاهم هسته‌ای قدرت‌های بزرگ با ایران به تعرضات ایران اشاره‌ای نشده و این تعرضات باید در زمان انعقاد توافق یا لغو تحریم‌ها، متوقف شود.» (Никольский, 2015) از نظر تل‌آویو، در صورت تجهیز



ایران به سیستم اس 300، حمله هوایی احتمالی اسرائیل به مراکز اتمی ایران می توانست بسیار دشوارتر و پیچیده تر شود. با این حال روسیه بدون توجه به هشدارها و نارضایتی های مقامات اسرائیلی به قرارداد خود با ایران عمل کرد. در ابعاد دیگر، اسرائیلی ها بارها سعی کرده اند نظر مقامات روسیه نسبت به ایران را تغییر دهند که موفقیت چندانی به دست نیاورده اند. به عنوان مثال هنگامی که نتانیا هو در دیدار ماه مارس 2017 خود به پوتین گفت که «یهودیان پوریم را جشن می گیرند چون پرشیا موفق نشد یهودیان را نابود کند و امروز هم وارث پرشیا، ایران تلاش دارد دولت یهودیان را نابود کند»، رئیس جمهور روسیه پاسخ داد: «این وقایع 2500 سال پیش رخ داده است و حالا در دنیای متفاوتی زندگی می کنیم. ما تمایل داریم درباره مشکلات روز در منطقه صحبت کنیم.» (Borshchevskaya, 2017) این بی توجهی ولادیمیر پوتین به اظهارات نخست وزیر اسرائیل درباره ایران نشان می دهد که مقامات روسیه تمایلی به تغییر دیدگاه خود نسبت به ایران مطابق با خواست اسرائیلی ها ندارند.

## 2. مسئله نفوذ منطقه ای ایران

نفوذ و اقتدار منطقه ای ایران همواره موجب هراس رژیم صهیونیستی بوده و این رژیم را وادار کرده تا از هر طریق که می تواند به مقابله با آن بپردازد. از جمله دلایل هراس رژیم صهیونیستی از ایران در منطقه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. تأکید متداوم ایران بر نابودی اسرائیل و محو آن از کره زمین
2. برنامه های رو به توسعه ایران در حوزه صنایع دفاعی و موشکی
3. ارتباط نزدیک ایران با گروه های ضد اسرائیلی چون حزب الله، حماس، جهاد اسلامی و ...
4. نفوذ رو به گسترش ایران در منطقه به خصوص در سوریه و در جوار مرزهای سرزمین اشغالی



5. قابلیت بازگرداندن توان هسته‌ای ایران در مدت کم به‌رغم انجام توافق هسته‌ای موسوم به برجام.

با توجه به مباحث فوق، اسرائیلی‌ها معتقدند اگر روسیه قادر به بازداشتن ایران از آرمان و ایده نابودی اسرائیل نیست و نمی‌تواند خللی در روابط تهران و گروه‌های مقاومت ایجاد کند، در خصوص برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و همچنین نفوذ این کشور در سوریه دارای نقش است و می‌تواند از آن جلوگیری کند. اسرائیل بارها مخالفت قاطع خود را در مورد حضور نیروهای ایران و متحدان آن در مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی و دریای مدیترانه اعلام کرده و تمایل دارد روسیه در این خصوص به ایفای نقش بپردازد.

به عنوان مثال، موشه یعلون، وزیر سابق دفاع اسرائیل تأکید کرده اگر روسیه و ایالات متحده نتوانند یک راه‌حل مناسب برای حفاظت از مرزهای شمالی اسرائیل ارائه دهند، دولت مجبور خواهد شد به‌طور مستقل عمل کند. نظرات مشابهی توسط آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع فعلی اسرائیل نیز بیان شده است.

چاگای زوریل، مدیر کل وزارت اطلاعات رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز با ادعای اینکه ایران به دنبال تقویت جایگاه نظامی خود در سوریه است، از روسیه خواست قدرت نظامی رو به افزایش ایران در سوریه را محدود کند؛ زیرا این کشور یک تهدید منطقه‌ای است. از نظر او، «ایران و سوریه در حال نزدیک تر شدن هستند، ایران در مسیر تدوین توافقاتی با سوریه در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی است تا پایگاه خود را در دریا و روی زمین تقویت کند. از این رو لازم است روسیه و دیگر قدرت‌ها برای جلوگیری از این تهدید که ایران در سوریه پایگاه نظامی زمینی و دریایی داشته باشد، همکاری کنند.» (Baker, 2017)

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز در دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در اوت 2017 نسبت به ادامه حضور ایران در سوریه ابراز نگرانی عمیق کرد و خواستار همکاری روسیه و آمریکا برای رفع این نگرانی شد. نتانیاهو در این





ملاقات خطاب به رئیس جمهوری روسیه گفت: «ما با تلاش مشترک می توانیم گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) را شکست دهیم و این موضوعی بسیار مهم است، اما جنبه بد موضوع این است که نابودی دولت اسلامی جای پای ایران را باز می کند. ما نمی توانیم حتی برای یک دقیقه فراموش کنیم که ایران هر روز تهدید می کند اسرائیل را نابود خواهد کرد، به سازمان های تروریستی اسلحه می دهد و حامی و مبتکر عملیات تروریستی است.» (Fulbright, 2017) اگر چه رئیس جمهور روسیه در آن بخش از دیدار با بنیامین نتانیاهو که در حضور رسانه های خبری صورت گرفت، به اظهارات نخست وزیر اسرائیل در مورد ایران و سوریه پاسخی نداد، واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل اذعان داشت: «ما از دیدگاه اسرائیل نسبت به ایران آگاهی داریم؛ اما فکر می کنیم ایران نقشی کاملاً سازنده در سوریه ایفا می کند.» (Pinchuk, 2017)

این رویکرد نشان می دهد که روسیه به رغم توجه به نگرانی های اسرائیل از نفوذ فزاینده ایران در منطقه، مخالفتی با این نفوذ ندارد و نمی خواهد در برابر آن ممانعتی ایجاد کند. در واقع روسیه برخلاف اسرائیل نه تنها نقش ایران در منطقه را مخرب تلقی نمی کند، بلکه این نقش را سازنده می داند.

### 3. همکاری با حزب الله

در حالی که اسرائیل نگران آن است که در کشاکش جنگ داخلی سوریه، قدرت نظامی حزب الله لبنان افزایش یابد و بارها از روسیه درخواست کرده که به هیچ وجه به همکاری نظامی با آن نپردازد، واقعیت های نبرد میدانی در سوریه حکایت از همکاری تنگاتنگ نیروهای روسی با نیروهای حزب الله در فرماندهی و انجام عملیات های مشترک دارد. در خصوص ارسال سلاح به حزب الله نیز شواهد مختلفی وجود دارد که روس ها بارها دست به چنین اقداماتی زده اند. به عنوان مثال در نوامبر 2013، مقام های آمریکایی اعلام کردند که اسرائیل به شهر ساحلی لاذقیه در سوریه



حمله کرده است و هدف حمله آنها، موشک های SA-125 ساخت روسیه بوده که برای حزب الله لبنان فرستاده می شدند. (Al Arabiya, 2013) این رویداد نشان می دهد که روسیه حتی پیش تر از زمان حضور مستقیم نظامی خود در سوریه نیز دارای ارتباطات نزدیکی با حزب الله بود و به رغم نگرانی های اسرائیل، هرگز روابط خود را با آن محدود نکرد.

سرگئی استروکان، تحلیلگر سیاسی روس اعتقاد دارد که مثلث نظامی روسیه، ایران و حزب الله در سوریه تشکیل شده است و روسیه، محور ایران - حزب الله را در سوریه تکمیل و تقویت خواهد کرد. وی معتقد است: «حزب الله می تواند کارهایی انجام دهد که روسیه قادر به انجام آنها نیست. از این رو مسکو برای گسترش نفوذ و قدرت خود در خاورمیانه به بازیگر مؤثری چون حزب الله نیاز دارد. اگر چنین سناریویی اجرا شود و مثلث نظامی روسیه، ایران و حزب الله در سوریه به پیروزی برسد، حزب الله نه فقط به یکی از بازیگران اصلی در تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه تبدیل خواهد شد، بلکه به عنوان شریکی راهبردی در خاورمیانه جدید، خود را اثبات خواهد کرد. به این ترتیب حزب الله لبنان که با تلاش آمریکا به عنوان یک گروه تروریستی معرفی شده است، می تواند به یک سازمان ضدتروریستی در عرصه بین المللی تبدیل شود.» (Головаха, 2015)

بر این اساس روسیه همواره اتهامات اسرائیل در خصوص تروریستی بودن حزب الله را رد کرده است. همچنین در برخی مواقع، تصمیمات علنی و آشکار روسیه به حمایت از حزب الله لبنان منتهی شده است. در حالی که موارد متعددی از ادعاهای رسانه ای در مورد حمایت روسیه از حزب الله وجود دارد. به عنوان مثال، دبکا فایل در سال 2016 نوشت که ارسال تسلیحات روسی برای حزب الله، رژیم صهیونیستی را خشمگین می کند. این پایگاه اینترنتی صهیونیستی افزود: «سران نهاد جاسوسی ارتش اسرائیل و نیروی هوایی به این نتیجه رسیده اند پهبادی که اخیراً وارد اسرائیل شده بود، نه ساخت ایران بوده و نه ساخت



حزب‌الله، بلکه روسی بوده است. مسکو از پهپادهای پیشرفته فورپست که ساخت اسرائیل است برای عملیات جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات در سوریه، اوکراین و پایگاه‌های تروریست‌ها در کوه‌های قفقاز استفاده می‌کند. اگر فرماندهان ارتش اسرائیل اشتباه نکرده باشند، از یک پهپاد روسی که ساخت اسرائیل است و از یک پایگاه متعلق به ایران یا حزب‌الله در کوه‌های قلمون سوریه به پرواز درآمده برای جاسوسی از اسرائیل استفاده شده است. دستگاه‌های الکترونیکی ایجاد پارازیت این پهپاد، فعال شده بودند تا مانع از آن شوند که موشک‌ها و هواپیماهای اسرائیلی آن را رهگیری کنند. بخشی از سلاح‌های روسی که برای ارتش سوریه ارسال می‌شوند، به‌طور مخفیانه در اختیار حزب‌الله قرار می‌گیرند. این‌گونه حزب‌الله موفق شده است بیشتر واحدهای جنگی خود را نه تنها در سوریه بلکه در لبنان بر پایه سلاح‌های روسی بنا کند. این مسئله نشان می‌دهد روابط نظامی و اطلاعاتی بین اسرائیل و روسیه با اتحادی که بین اسرائیل و غرب وجود دارد، کاملاً متفاوت است. در واقع چنین حوادثی، در روابط کاری دو طرف خلل ایجاد می‌کند و سطح محدود تفاهم به دست آمده بین سران اسرائیل و روسیه را در زمینه هماهنگ کردن اطلاعات نظامی و عملیات هوایی در سوریه کاهش می‌دهد.» (DEBKA file, 2016)

نمونه دیگر در این خصوص، گزارش روزنامه دیلی بیست از روابط نزدیک نظامی میان روسیه و حزب‌الله است. این روزنامه از قول فرماندهان حزب‌الله لبنان که در سوریه مبارزه می‌کنند اعلام کرد آنها تسلیحات سنگین را بدون هیچ محدودیتی مستقیماً از روسیه دریافت می‌کنند و میان دولت سوریه، ایران و روسیه همکاری و هماهنگی وجود دارد. روزنامه دیلی بیست اواخر دسامبر سال 2015 و اوایل سال 2016 میلادی، نشست‌های انفرادی را با فرماندهان حزب‌الله لبنان در ضاحیه از مناطق شیعه‌نشین حاشیه جنوب بیروت برگزار کرد. این فرماندهان که خواستند نامشان فاش نشود، گفتند: «حزب‌الله موشک‌های تاکتیکی



دوربرد، موشک های مجهز به سیستم هدایت لیزری و تسلیحات ضد تانک را مستقیماً از روسیه دریافت می کند. یکی از افسران حزب الله که خود را فرمانده بکر معرفی کرد، گفت: در حال حاضر متحدان استراتژیکی در خاورمیانه داریم. روس ها متحدان ما هستند و تسلیحات ما را تأمین می کنند. از نظر وی، روس ها برای انتخاب اهداف به اطلاعات حزب الله وابسته هستند. بدون حمایت هوایی نمی توانیم اقدامی انجام دهیم و آن ها نیز بدون اطلاعات ما از زمین نمی توانند از آسمان، ما را حمایت کنند. روس ها نیروهای خود را در لاذقیه به ویژه اطراف فرودگاهی که توسط نیروی هوایی روسیه استفاده می شود، مستقر کرده اند. روسیه در سال 2012 میلادی حمایت از تحرکات مسلحانه ما را افزایش داده است. میخائیل بوگدانف، معاون وزیر امور خارجه روسیه در سال 2014 میلادی با حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان در بیروت دیدار کرد تا درباره تحولات در این منطقه مذاکره کنند. بوگدانف نوامبر سال 2015 میلادی در بیانیه ای توضیح داد که روسیه، حزب الله را یک گروه تروریستی نمی داند. عسیر، مأمور سربازگیری و مربی آموزش از لبنان و همچنین فرمانده یگان نیروهای ویژه که در سوریه مبارزه می کنند، معتقد است: حزب الله تأثیر بسزایی بر روس ها دارد و آن ها نیز در زمینه حفاظت از انبارهای تسلیحاتی روسیه در سوریه به حزب الله اعتماد دارند. حزب الله ارتش سوریه را برای کار با این نوع تسلیحات آموزش می دهد. مسکو نباید هیچ گونه محدودیتی در خصوص نحوه استفاده حزب الله از تسلیحات روسی که در اختیار دارد، اعمال کند و به طور مثال اگر حزب الله لازم دید می تواند از این تسلیحات علیه اسرائیل استفاده کند.» (Rosenfeld, 2016)

گزارش ها و اظهارنظرهای فوق که به وفور در رسانه های اسرائیلی و غربی یافت می شود، نشان می دهد که اسرائیل نتوانسته روسیه را از همکاری با حزب الله بازدارد و همچنان روابط نزدیکی میان این دو وجود دارد.



#### 4. حضور روسیه در سوریه

سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه نه تنها دارای ابعاد منطقه‌ای و جهانی بوده، بلکه تأثیر مستقیمی نیز بر روابط مسکو با تل‌آویو داشته است. اگر چه زمانی که روس‌ها تصمیم به حضور مستقیم نظامی در سوریه گرفتند، از یک سو با اسرائیلی‌ها در خصوص خطوط مرزی هوایی و نحوه اطلاع‌رسانی به یکدیگر توافق کردند و از سوی دیگر به تل‌آویو اطمینان دادند که تسلیحات و تجهیزات روس به هیچ‌وجه علیه اسرائیل به کار گرفته نخواهد شد، اما این توافق دست کم در مورد همکاری‌های روسیه با حزب‌الله بارها نقض شده است.

در مورد هماهنگی میان روسیه و اسرائیل نیز باید توجه داشت که هدف از انجام این توافق، ایجاد مکانیزم دائمی تماس به منظور جلوگیری از برخوردهای تصادفی نیروهای هر دو طرف بود. نباید از یاد برد که روسیه علاوه بر اسرائیل، عملیات نیروی هوایی خود در سوریه را با آمریکا و ترکیه نیز به منظور اجتناب از هرگونه برخورد و درگیری نظامی هماهنگ کرده بود. در نتیجه آنچه میان روسیه و اسرائیل مورد توافق قرار گرفته بود، صرفاً هماهنگی برای پرهیز از وقوع هرگونه حادثه نظامی بوده است و نباید به آن ابعاد دیگری داد و از آن به عنوان همکاری تنگاتنگ روسیه با اسرائیل یاد کرد.

نکته قابل توجه در خصوص حضور مستقیم نیروهای نظامی روسیه در سوریه و نبرد علیه گروه‌های تروریستی، نارضایتی اسرائیلی‌ها از چنین تصمیمی بود؛ زیرا تل‌آویو به خوبی می‌دانست حضور روسیه در تحولات سوریه می‌تواند موازنه قوا را به نفع دولت سوریه، ایران و حزب‌الله تغییر دهد. علاوه بر این، مواضع روسیه در قبال سوریه پیش از ورود نظامی این کشور نیز در تعارض با منافع و اهداف اسرائیل قرار داشت. بر این اساس روسیه بارها تحرکات اسرائیل در خاک سوریه را محکوم کرده است. به عنوان مثال، از زمان آغاز بحران سوریه در سال 2011، جنگنده‌های اسرائیلی بارها نقاطی را در داخل خاک این کشور



مورد هدف قرار داده‌اند که تقریباً تمامی این موارد با اعتراض روسیه مواجه شده‌اند. در ژانویه 2013 که حمله هوایی اسرائیل به خاک سوریه صورت گرفت، وزارت خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای گفت که «اگر اطلاعات به دست آمده در مورد عملیات هوایی اسرائیل در سوریه صحت داشته باشد، این اقدام به منزله حمله‌ای بی‌دلیل علیه هدف‌هایی در داخل خاک یک کشور مستقل است که بدون توجه به انگیزه با توجیه احتمالی آن، با منشور سازمان ملل مغایرت کامل دارد.» (The Guardian, 2013)

در دسامبر 2014 که جنگنده‌های اسرائیلی به نقاطی در اطراف فرودگاه بین‌المللی دمشق حمله کردند، روسیه خواستار توضیح تل‌آویو در این مورد شد. الکساندر لوکاشویچ، سخنگوی وزارت خارجه روسیه در مسکو گفت که «روسیه عمیقاً نگران این تحول خطرناک است که تحقیقات دقیق را لازم می‌کند.» (Haaretz, 2014) در مارس 2017 نیز مسکو سفیر اسرائیل را در اعتراض به حملات هوایی جنگنده‌هایش در سوریه احضار کرد.

بنابراین به رغم توافق‌هایی که میان روسیه و اسرائیل در خصوص پرواز جنگنده‌ها و مباحث مرتبط با حریم هوایی صورت گرفته، منافع و اهداف نهایی مسکو و تل‌آویو در سوریه کاملاً متفاوت است و دو طرف نمی‌توانند به صورت راهبردی به همکاری در این خصوص بپردازند؛ در حالی که روسیه یکی از مهم‌ترین حامیان دولت سوریه به شمار می‌آید.

## نتیجه‌گیری

درباره مواضع روسیه نسبت به اسرائیل باید توجه داشت که اسرائیل بزرگ‌ترین گروه اقلیت روسی در خارج از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی سابق را در خود جای داده است. حدود یک پنجم از ساکنان سرزمین‌های اشغالی را روس‌تبارها تشکیل می‌دهند که در ساختار سیاسی اسرائیل نیز در سطوح عالی مانند وزیر و

نماینده پارلمان حضور دارند. گردشگران روسی در رده دومین بازدیدکنندگان اسرائیل هستند و شهروندان روسیه، اسرائیل را به‌عنوان دومین مقصد جذاب برای گردشگری می‌شناسند. رژیم صدور روادید بین دو طرف لغو شده و بیش از 500 هزار گردشگر روسی در سال برای سفر به اسرائیل می‌روند. همچنین بیش از 60 پرواز روزانه چندین شهر روسیه را با اسرائیل پیوند می‌دهد. تبادل فرهنگی فعالی نیز میان دو طرف وجود دارد. علاوه بر این، وجود لابی نسبتاً قدرتمند یهودیان در روسیه نیز مزید بر علت شده که کرملین همواره در معادلات خاور نزدیک به گونه‌ای عمل کند که موجب نارضایتی عمده اسرائیل نشود.

بی‌شک هیچ‌یک از گزاره‌های فوق در روابط ایران و روسیه وجود ندارند. میان تهران و مسکو نه روابط اقتصادی گسترده‌ای وجود دارد و نه تبادلات فرهنگی و گردشگری دو کشور در سطح چندین بالایی قرار دارد. علاوه بر این هیچ ارتباط قومی و نژادی مستمر و پایداری نیز میان دو کشور وجود ندارد. در چنین شرایطی، همکاری روسیه با ایران و جبهه مقاومت که فلسفه وجودی و هدف نهایی آن مبارزه با رژیم صهیونیستی است، با چالش‌های جدی مواجه است.

با این حال بررسی سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه نشان می‌دهد موارد مختلفی وجود دارد که عملاً موجب واگرایی و حتی تیرگی در روابط روسیه و اسرائیل شده‌اند.<sup>1</sup> به‌عنوان مثال، روسیه در مسئله صلح خاورمیانه تا کنون نه تنها برخی از گروه‌های فلسطینی نظیر حماس را به‌عنوان یک گروه تروریستی شناسایی نکرده، بلکه با آنها روابط نسبتاً

---

1. در مباحث فراتر از منطقه خاور نزدیک نیز میان روسیه و اسرائیل اختلافات جدی وجود دارد. به‌عنوان مثال، روسیه همواره نسبت به روابط نظامی و امنیتی اسرائیل با کشورهای استقلال یافته از شوروی دیدگاهی منفی داشته است. چنانکه روسیه هم در جریان جنگ اوت 2008 گرجستان و هم در جریان بحران سال 2014 اوکراین نسبت به انجام معاملات تسلیحاتی و ارسال کمک‌های نظامی اسرائیل به این کشورها ابراز نارضایتی کرد. در واقع حمایت نظامی تل‌آویو از گرجستان و اوکراین به یکی از موارد اختلاف در روابط روسیه و اسرائیل تبدیل شد و دلخوری مسکو را در پی داشت.



نزدیکی نیز برقرار نموده است. همچنین روسیه از ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی نیز حمایت کرده که این امر چندان مورد رضایت اسرائیلی ها نیست. علاوه بر موارد فوق، این کشور در مدیریت روابط خود با ایران و اسرائیل نشان داده که ضمن حفظ روابط خود با تل آویو، در بسیاری از موارد به نفع تهران عمل کرده است. بر این اساس، طی سال های گذشته، گاهی روابط روسیه و اسرائیل به علت همکاری های مسکو - تهران، به ویژه در بخش های نظامی و هسته ای تا حدودی تیره شده است؛ زیرا روابط روسیه با ایران در زمینه هسته ای و نظامی از نگاه اسرائیل تقویت دشمن شماره یک آنهاست. همچنین تداوم رابطه و همکاری با ایران، دیدگاه مثبت به نفوذ منطقه ای تهران، همکاری با حزب الله و حضور نظامی در سوریه به نفع دولت اسد از جمله مواردی هستند که مسکو ضمن در نظر گرفتن و توجه کردن به خواست های اسرائیل، مطابق میل تل آویو عمل نکرده و در برخی موارد کاملاً متضاد و مغایر با منافع این رژیم به پیشبرد برنامه های خود پرداخته است.

در این بین، اگر چه این اعتقاد وجود دارد که حضور روسیه در سوریه مانع از آن می شود که ایران یا حزب الله لبنان جبهه جدیدی را علیه اسرائیل باز کنند، اما واقعیت این است که حضور ایران در سوریه و شیوه های ایفای نقش این کشور ارتباط چندانی با روسیه ندارد. در واقع اگر ایران یا حزب الله تصمیم بگیرند جبهه جدیدی علیه اسرائیل باز کنند، روسیه توان جلوگیری از چنین امری را ندارد؛ زیرا عمق استراتژیک و توان رزمی و عملیاتی ایران و حزب الله در سوریه بسیار بیشتر از روسیه است. ضمن آنکه اساساً روسیه تمایل ندارد خود را درگیر منازعات ایران و محور مقاومت با اسرائیل کند. روسیه اهداف مشخصی را در سوریه دنبال می کند که این اهداف به هیچ وجه به رویارویی ایران و محور مقاومت با اسرائیل مرتبط نمی شوند.





در نهایت توجه به این نکته ضروری است که به همان میزان که اسرائیل از قابلیت تأثیرگذاری بر روابط روسیه و ایران برخوردار است، تهران نیز توان تأثیرگذاری بر روابط مسکو و تل‌آویو را دارد. همچنین میزان نزدیکی و دوری ایران و روسیه به یکدیگر می‌تواند موجب کاهش یا افزایش تأثیرگذاری اسرائیل بر این روابط شود. این امر به خوبی در همکاری‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی ایران و روسیه در سوریه مشهود است. این همکاری‌ها در شرایطی صورت گرفت که عملاً اسرائیلی‌ها علاقه‌ای به شکل‌گیری و تداوم آن نداشتند. با این حال اهداف همسو و روابط نزدیک تهران و مسکو مانع تأثیرگذاری تل‌آویو بر این همکاری‌ها شده است. بنابراین چنین رویدادی در آینده نیز می‌تواند در روابط ایران و روسیه رخ دهد.



- بهمن، شعیب (1392)، بازخوانی سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه پس از تحولات انقلابی منطقه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره 53، سال سیزدهم.

- Al Arabiya, 2013, Officials: Israel strikes Russian weapons shipment in Syria, 1 Nov
- Baker. Luke, 2017, Russia must limit Iranian power in Syria: Israeli intelligence, Reuters, 21 Mar
- director Brzezinski. Zbigniew, 2016, Toward a Global Realignment, The American Interest, Volume 11, Number 6, 17 April
- Borshchevskaya. Anna, 2017, Putin's Non-Response To Netanyahu, Forbes, 29 Aug
- DEBKA file, 2016, Russian arms for Hizballah cross Israel's red line, 24 July
- Freedman. Robert O., 1998, "Russia and Israel under Yeltsin," Israel Studies, Mar
- Fulbright. Alexander, 2017, Netanyahu meets Putin to share secret intel on Iran threat, The Times of Israel, 23 August
- Golan. Galia, 1988, The Soviet Union and National Liberation Movements in the Third World, Boston: Unwin Hyman
- Golan. Galia, 1990, Soviet Policies in the Middle East from World War Two to Gorbachev, Cambridge: Cambridge University Press
- Haaretz, 2014, Syria Reports New Strikes From Israel Near Capital, 8 December
- Khanin. Vladimir (Zeev), The Social Aspect of Israeli-Russian Relations: A View from Jerusalem, In Zvi Magen and Vitaly Naumkin, Russia and Israel in the Changing Middle East, Institute for National Security Studies, Memorandum No. 129, July 2013
- Moscow Time, 16/02/2010, Russia, Israel agree to boost economic ties
- Nizameddin. Talal, 1999, Russia and the Middle East: Towards a New Foreign Policy, New York: St. Martin's Press
- Nekhai. Oleg, 2011, Russia, Israel to boost space cooperation, Moscow Time, 28 Mar
- Nasr. Joseph, 2010 Israel asks Russia for Iran "sanctions with teeth", Reuters, 15 Feb
- Nasr. Vali R., 2016, A Russian-Iranian Axis, The New York Times, 16 September
- Naumkin. Vitaly, 2015, Russia's new diplomacy, Al-Monitor: Week in Review, 27 April
- Pinchuk. Denis, 2017, Netanyahu to Putin - Israel may act to curb Iran's clout in Syria, Reuters, 23 August
- Rosenfeld. Jesse, 2016, Russia Is Arming Hezbollah, Say Two of the Group's Field Commanders, The Daily Beast, 1 November
- The Guardian, 2013, Russia condemns Israeli air strike on Syria, 31 Jan
- TV-Novosti, 2010, Russia and Israel sign military agreement, 6 Sep
- Yaakov Livne, A Look at Israeli-Russian Relations, In Zvi Magen and Vitaly Naumkin, Russia and Israel in the Changing Middle East, Institute for National Security Studies, Memorandum No. 129, July 2013,
- Голубович. Алексей, 2017, К визиту Нетаньяху: что Россия может получить от экономики Израиля, Forbes Contributor, 09,03
- Наталья Головаха, Военный треугольник Россия - Иран - «Хезболла», mixednews. ru, 05 Ноябрь 2015
- Никольский. Алексей, 2015, Нетаньяху: поставки С-300 ИРИ подорвут безопасность на Ближнем Востоке, РИА Новости, 14,04

